



تحریف‌ناپذیری قرآن از دیدگاه علامه بلاغی

علامه محمد جواد بلاغی از اعظم حوزه پرفروغ نجف اشرف در قرون اخیر است که تلاش علمی و محققانه ایشان در اثبات تحریف‌ناپذیری قرآن مورد تمجید و ستایش دانشمندان بعد از ایشان بوده است.

علامه محمد جواد بلاغی از اعظم حوزه پرفروغ نجف اشرف در قرون اخیر است که تلاش علمی و محققانه ایشان در اثبات تحریف‌ناپذیری قرآن مورد تمجید و ستایش دانشمندان بعد از ایشان بوده است. به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، مطلب زیر یادداشتی است از حجت‌الاسلام و المسلمین فرج‌الله میرعرب، عضو هیئت علمی مرکز فرهنگ و معارف قرآن در بررسی تحریف‌ناپذیری قرآن از دیدگاه علامه بلاغی که از نظر شما می‌گذرد.

علامه محمد جواد بلاغی از اعظم حوزه پر فروغ نجف اشرف در قرون اخیر است که تلاش علمی و محققانه ایشان در اثبات تحریف‌ناپذیری قرآن مورد تمجید و ستایش دانشمندان بعد از ایشان بوده است. او علاوه بر بررسی جوانب مختلف این بحث، اثبات نموده که تشیع و مذهب امامیه نه تنها معتقد به تحریف نیست، بلکه اصولاً نمی‌تواند قول به تحریف را بپذیرد، چرا که پذیرفتن نظریه تحریف، اساس عقیده امامیه را از بین خواهد برد.

علامه بلاغی در آغاز بحث ابطال تحقق نقیصه در قرآن و اثبات تحریف‌ناپذیری قرآن، دلیل عام و کلی و البته محکمی ارائه می‌کنند تا قبل از آنکه درگیر جزئیات شوند مدعای خود را اعلام و اثبات کنند. ایشان می‌فرمایند:

«قرآن کریم همواره بر اساس حکمت وحی و تشریع و مصالح و مقتضیات نو پیش آمده در طول زمان (أَنَا فَاَنَّا) تدرّج در نزول داشت به طور متفرق، گاه یک آیه و گاه دو آیه یا بیشتر و یا یک سوره.

«و هر زمان که چیزی از آن نازل می‌گشت دل‌های مسلمین به سوی آن می‌شتافت و برای دریافت و فهم آن، سینه‌هایشان منشرح می‌گردید و با نهایت رغبت و اشتیاق، و کامل‌ترین اقبال برای حفظ کردن آن سرعت می‌نمودند و حافظه ی قوی آنها، که عرب در آن امتیاز دارند و بدان معروف و شناخته شده‌اند، آن را به خود می‌گرفت و جذب می‌کرد، و آن را در دل‌هایشان مانند نقش روی سنگ، ثابت و برقرار می‌ساختند. و شعار اسلام و علامت شخص مسلمان در آن زمان، آراستگی و پیراستگی به حفظ آیاتی بود که از قرآن نازل گردیده بود، برای آنکه با حجت‌های آشکار آن، شرایع و اخلاق فاضله، تاریخ مجد آفرین، حکمت باهره، و أدبیت عربی فائق و معجز آن، قوّت بصیرت گیرد.»

«و این نهج و منهج استمرار یافت تا آن که در زمان رسول الله(ص)، هزاران و ده‌ها هزار مسلمان بودند که همگی آنها از حاملین و حافظان قرآن به شمار می‌آمدند، و چون رسول خدا (ص) رحلت فرمود و دیگر انتظار نزول تنمّه‌ای برای قرآن نبود، در آن هنگام مسلمین بر آن شدند که قرآن را در مصحف جامعی تسجیل کنند.»

«بدین جهت ماده ی قرآن را با اشراف هزاران مسلمان از حافظان آن جمع کردند، و قرآن با این احتفال عظیم و اجتماع کبیر مسلمانان نسلی بعد نسلی به طور مستمر باقی ماند؛ به طوری که برای هیچ امر تاریخی، تواتر و بدهاقت در بقا که برای قرآن اتفاق افتاده است، پیش نیامده است همان طور که خداوند با این سخنش: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» [2] و این قولش: «إِنَّا عَلَيْنَا جَمْعُهُ وَقَرَّانَهُ» وعده حفظ آن را داده است.»

«و علی هذا اگر در روایات شاده چیزی درباره‌ی ضیاع و از میان رفتن برخی از قرآن شنیدی، برای آن وزنی و ارزشی قائل نباش و تا جایی که علم اجازه می دهد درباره ی اضطراب و وهن آن روایات و ضعف راویان و مخالفتش با مسلمانان و در مورد بی ارزشی آنچه که به کرامت قرآن، آن روایات چسبانده‌اند، مطالبی که به لحاظ دناّت و پستی، شباهتی به قرآن ندارد، سخن بگو!» [2]

علامه در این سخنان پایانی، آزرده‌گی خاطر خود را از طرح موضوعاتی چنین موهون، آن هم نسبت به کتاب خدا، کتابی که خالق هستی سلامت آن را ضمانت کرده، ابراز می کنند.

سخن ایشان این است که با اهمتامی که مسلمانان به امر قرآن داشتند، امکان از دست رفتن جزئی از قرآن و یا فراموش شدن بخشی از آن امکان پذیر نیست.

از طرف دیگر آنچه که به عنوان افتادگی از قرآن مطرح کرده‌اند، هیچ شباهتی به قرآن ندارند تا بشود احتمال داد که شاید ادعا معقول است و قابل بررسی.

پی‌نوشت‌ها:

1 - حجر (15) / 9.

2 - موسوعه آثار علامه بلاغی، ج 1، آلاء الرحمن، ج 1، ص 44-47.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی